



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - مقدمات - مقدمه اول: تنقیح موضوع بحث - مصادف با: ۹ ربیع الثانی ۱۴۴۶

جهت اول و دوم و سوم - مقدمه دوم: حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول است یا نه؟ نظر صاحب فصول - اشکال محقق

خراسانی

جلسه: ۱۶

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

حجیت خبر واحد

بحث جدیدی که از امروز ما آن را آغاز می کنیم، بحث حجیت خبر واحد است. تا اینجا چهار امر از اموری که می‌توان که ما آنها را از ظنون خاصه و امارات معتبره بدانیم مورد رسیدگی قرار گرفت، ظواهر، اجماع و شهرت ... پنجمین امر از اموری که مفید ظن است، خبر واحد است لکن ما می خواهیم ببینیم آیا دلیل خاص بر اعتبار این ظن داریم یا خیر؟ اگر دلیل خاص بر اعتبار این ظن داشتیم این می شود از ظنون خاصه، مثل ظواهر، امارات، اما اگر دلیلی بر اعتبار آن به طور خاص پیدا نکردیم این دیگر حجت و معتبر نخواهد بود مگر اینکه ما قائل به حجیت مطلق ظن شویم؛ یعنی انسدادی شویم و بگوییم مطلق ظن حجت است، لذا خبر واحد هم از آنجا که مفید ظن است آن هم حجت می شود ولی دیگر از این بحث خارج می شود.

پس بحث ما در مورد حجیت خبر واحد است به این معنا که آیا ما دلیل خاصی بر اعتبار آن داریم یا خیر؟ قبل از اینکه به اقوال و ادله آنها بپردازیم باید به دو سه امر مقدماتی اشاره بکنیم.

مقدمات

مقدمه اول: تنقیح موضوع بحث

چند جهت برای تنقیح موضوع بحث باید ذکر شود.

جهت اول

منظور از خبر واحد خبری است که در مقابل خبر متواتر است لذا شامل خبر مستفیض هم می شود. حتما مستحضر هستید که خبر از حیث قلت و کثرت راویانش به سه قسم تقسیم می شود:

۱. خبر متواتر خبری است که تعداد زیادی راوی و مخبر آن را نقل کنند به گونه ای که توافق و تبانی آنها بر کذب عاداتا محال است. این خبر چون مفید علم و یقین است قطعاً حجت است و حجیت آن نیز از باب حجیت قطع و یقین است.
۲. خبر مستفیض خبری است که تعداد مخبرین آن به حد مخبرین خبر متواتر نمی رسد اما از اندازه خبر واحد نیز بیشتر است.
۳. خبر واحد توسط یک نفر یا دو نفر نقل می شود اما اگر خبر توسط سه نفر یا بیشتر از سه نفر نقل شود می شود خبر مستفیض. ما وقتی از حجیت خبر واحد بحث می کنیم منظور خبر غیر متواتر است، لذا اعم از خبر واحد و خبر مستفیض است. پس اینجا در واقع بحث از حجیت خبری است که متواتر نیست، ممکن است یک خبری مستفیض باشد، بالاخره حجیت خبر مستفیض بر چه

اساسی است؟ ملاک حجیت خبر متواتر در خبر مستفیض نیست، پس همان ادله ای که خبر واحد را حجت می کند خبر مستفیض را نیز حجت می کند. بنابراین موضوع بحث ما از این جهت اعم از خبر واحد و خبر مستفیض است.

جهت دوم

خبری که درباره حجیت آن بحث می کنیم خبری است که محفوف به قرائن قطعیه نباشد، زیرا گاهی یک خبری با قرائن قطعی پیچیده شده یعنی قرائنی که موجب یقین به صدور آن خبر می شود و اینکه این قول امام علیه السلام است. اگر خبر با چنین قرائنی محفوف باشد، این قطعاً حجت است، زیرا افاده یقین می کند و یقین از هر راهی پیدا شود حجیت دارد و معتبر است زیرا حجیت قطع و یقین ذاتی است، اما اگر خبر عاری از چنین قرائنی باشد این داخل بحث ما می شود که آیا این خبر حجت است یا خیر؟ ما دلیل بر اعتبار آن داریم یا نداریم؟

جهت سوم

جهت سوم که به نوعی مرتبط با تنقیح موضوع بحث است این است که بحث از حجیت خبر واحد بر مبنای مشهور در مورد روایات است. کتب حدیثی و جوامع روایی اصلی ما کتب اربعه هستند، تهذیب، استبصار، من لا یحضر و کافی؛ اینها کتب اربعه حدیثی شیعه به شمار می روند. با اینکه این چهار کتاب معتبر و مولفین آنها علمای ارزشمندی بودند، اما مشهور بر این باورند که روایات منقول در این کتاب های چهارگانه نیازمند بررسی سندی می باشند. درست است این روایات در این چهار کتاب آمده و مولفین این کتاب ها همه مورد تایید هستند اما این به معنای آن نیست که هر روایتی که در این چهار کتاب آمده، یقینی الصدور است، لذا از نظر سندی یک به یک راویانش را مورد بررسی قرار می دهند.

در مقابل عده ای معتقدند همه روایاتی که در این چهار کتاب ذکر شده، معتبر و حجت هستند، برخی هم معتقدند روایات کافی معتبر و حجت هستند. مثلاً مرحوم محقق نایینی با استناد به برخی شواهد و قرائن می گوید روایات کافی معتبر است، بعضی مانند محقق همدانی عقیدشان این است که همه روایات این چهار کتاب معتبر است، ما این مطلب را در بحث های رجالی متعرض شدیم و بحث کردیم، در کتاب مسائل بنیادین علم رجال که چند سال پیش چاپ شده این بحث ها آمده و منعکس شده است مرحوم حاج آقای مصطفی خمینی از کسانی است که می گوید تمام روایات کتب اربعه حجیت دارد و معتبر است، آنجا ما دلائل و قرائن و شواهد طرفین را بیان کردیم و خودمان نیز بر این عقیده هستیم که روایات کتب اربعه معتبر است و نیازمند بررسی سندی نیست و البته این بحث ها نتایج مختلفی دارد.

به هر حال اگر ما معتقد باشیم که روایات کتب اربعه قطعاً از امام صادر شده اند یعنی حجتند، زیرا بحث از حجیت خبر واحد یعنی بحث از اینکه اگر کسی روایتی را از امام معصوم نقل کرد ما بپذیریم که این را امام فرموده، یعنی صدورش برای ما مورد پذیرش واقع شده. حال اگر کسی معتقد شد روایات این چهار کتاب همه حجت هستند معلوم است که دیگر نیازی به این بحث ندارد. اما آنهایی که این مبنا را قبول ندارند طبیعتاً باید این بحث را دنبال کنند.

حال چون مشهور بر این عقیده هستند که روایات این چهار کتاب و بقیه قطعی الصدور نیستند ما هم بر اساس همین مبنا باید ببینیم آیا خبر واحد حجیت دارد یا ندارد؟ گفتم پذیرش حجت خبر واحد یا انکار آن به معنای پذیرش صدور یا عدم پذیرش صدور این روایات از امام معصوم است.

پس با این جهات سه گانه معلوم شد که از چه موضوعی بحث می کنیم.

اولاً: خبر واحد در اینجا شامل خبر مستفیض هم می شود.

ثانیاً: خبر واحدی که محفوف به قرائن قطعی نباشد.

ثالثاً: مبنای ما در باب روایات موجود در کتب چهار گانه یا یک کتاب از آنها این است که این روایات قطعی الصدور است. اگر ما قائل باشیم که فقط کتاب کافی روایاتش معتبر است قهراً نسبت به روایات سایر کتاب ها باید بررسی انجام دهیم که آیا اینها حجیت دارند یا خیر؟ اگر ما قائل شویم به اینکه کتب اربعه همه روایاتش قطعی الصدور هستند قهراً نسبت به روایاتی که در غیر کتب اربعه آمده باید ببینیم آیا اینها دلیل بر اعتبار دارند یا ندارند. به هر حال این بحث علی کلا المبنیین لازم است، چه مبنای مشهور که بر اساس آن ما به طور کلی نیاز به این بحث داریم و چه بر مبنای مختار و برگزیده ما که قهراً نسبت به غیر کتابهای چهارگانه نیازمند این بحث هستیم.

مقدمه دوم: حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول است یا نه

آیا بحث از حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا اینکه خبر واحد حجت است یا خیر این یک مسئله اصولی است یا خیر؟ ما این پرسش را در ابتدای ورود به هر بحثی داشتیم و دنبال کردیم و پاسخ دادیم. بالاخره مسائلی که اینجا بحث می شود باید از مسائل علم اصول باشد. ما وقتی علم را مجموعه ای از مسائل می دانیم که موضوعشان مصداق موضوع علم است بحث از حجیت خبر واحد هم باید اینچنین باشد.

محقق خراسانی در کفایه به این بحث و به این سوال پرداختند، نظر صاحب فصول را بیان کردند و نظر شیخ انصاری را ذکر کردند، نسبت به هر دو اشکال کرده و نهایتاً نظر خودشان را بیان کردند. علت اینکه این مسئله مورد بحث واقع شده این است که برخی دیدند معیاری که برای مسئله علم اصول ارائه شده بر این مسئله منطبق نیست. این یک مسئله ای بوده که برای حل آنها صاحب فصول و شیخ انصاری راه حلی ارائه دادند و بعد محقق خراسانی به هر دو اشکال کرده و گفتند اینطور نمی توان مشکل را برطرف کرد.

مشهور معتقدند که موضوع علم اصول ادله اربعه است. یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل ما از حجیت کتاب بحث می کنیم، از حجیت عقل بحث می کنیم، از حجیت اجماع بحث می کنیم؛ اینها را اول کفایه محقق خراسانی گفتند. پس بحث از حجیت کتاب، سنت، اجماع و عقل در واقع بحث از عوارض ادله اربعه است، حجیت یکی از عوارض است ما وقتی می گوییم کتاب حجت است یا خیر یعنی داریم از عوارض کتاب بحث می کنیم که یک دلیل است. در مورد سنت و بقیه نیز همینطور.

اینجا یک مشکل اساسی داریم، حتی در مورد کتاب و اجماع و عقل، از یک طرف اگر موضوع علم اصول ادله اربعه باشد و از آن طرف ما از حجیت و دلالت اینها بحث کنیم، اینها با هم جور در نمی آید. ما وقتی بحث از حجیت می کنیم یعنی بحث از دلالت می کنیم تازه می خواهیم ببینیم که دلیل است یا نیست. شما وقتی می گوئید موضوع علم اصول ادله اربعه است یعنی این چهار امر با وصف دلالت، کتاب به عنوان دلیل، سنت و اجماع و عقل؛ این معنایش این است که اصل دلالت اینها پذیرفته شده است کأنه حجیت آنها مفروغ عنه است در حالیکه شما در علم اصول وقتی بحث می کنید که اینها حجیت دارند یا نه یعنی دلالت دارند یا خیر؟ اینها با هم سازگاری ندارد، اگر ما موضوع علم اصول را ادله اربعه بدانیم معنایش این است که دلالت و حجیت آنها مسلم دانسته شده، داریم می گوییم الادله الاربعه. اما وقتی می آئیم سراغ مسائل علم اصول تازه می خواهیم از حجیت و دلالت اینها

بحث کنیم که اینها از عوارض موضوع می باشند. لذا چطور می شود دلالت اینها مفروغ عنه و مسلم دانسته شود و در عین حال بخواهید از اعتبار و دلالت حجیت اینها بحث کنید؟

نظر صاحب فصول

این مشکل صاحب فصول را وادار کرده که از نظر مشهور در موضوع علم اصول عدول کند و بگوید موضوع علم اصول ذوات الادله اربعه است نه ادله اربعه با وصف دلالت، یعنی خود کتاب نه به عنوان دلیل، کتاب فی نفسه موضوع است، سنت فی نفسه موضوع است و كذلك الاجماع و العقل. اگر موضوع ذوات الادله با قطع نظر از دلالت باشد پس هر جا بحث از حجیت پیش بیاید یعنی بحث از عوارض این موضوع است. اگر ما بحث از حجیت سنت می کنیم، بحث از عوارض این موضوع است و موضوع نیز ذات این منبع است نه این منبع با وصف دلالت. مرحوم صاحب فصول اینگونه این مشکل را خواسته حل کند که بحث از حجیت خبر واحد، بحث از یک مسئله اصولی است، چون معیار علم اصول بر آن منطبق است و هیچ مشکلی هم اینجا به نظر نمی رسد.^۱

اشکال محقق خراسانی به صاحب فصول

محقق خراسانی به صاحب فصول اشکال کرده و می فرماید نه؛ درست است که شما یک مشکل را حل کردید اما مسئله این است که سنت عبارت از قول، فعل و تقریر معصوم است و ما در بحث از حجیت خبر واحد از حجیت قول امام و معصوم بحث نمی کنیم، بلکه از حجیت قول زراره و محمد بن مسلم و روات بحث می کنیم، ما بحث می کنیم اگر زراره مثلاً یک خبری به ما داد و گفت امام اینچنین فرموده این حجیت دارد یا خیر؟ این چه ربطی به قول و فعل و تقریر امام و سنت دارد؟ قول راوی کدام یک از این ادله اربعه است تا بخواهد بحث از آن بحث از عوارض دلیل و یکی از مسائل علم اصول باشد؟ بر این اساس راه حل صاحب فصول نمی تواند این مشکل را حل کند.

بحث جلسه آینده

شیخ انصاری نیز یک راه حل فرمودند که باید آن را بیان کنیم و اشکال محقق خراسانی به ایشان را ذکر کنیم و بعد انشاء الله همه را با هم ارزیابی کنیم.

والحمد لله رب العالمین»

^۱ الفصول الغرویه، ص ۱۲.